

کارگران بالاشهرنشین

خسته و درمانده است. هر روز زنان و دختران هم‌سن خود را می‌بینند که لباس‌های مارک‌دار می‌پوشند، عطرهای گران‌قیمت می‌زنند و صورت‌هایشان را که از فرط تن‌پروری و ناز و نعمت به سان ابریشم‌اند با لوازم آرایش گران‌قیمت می‌آرایند. با ماشین‌های گران‌قیمت رفت‌وآمد می‌کنند و وقتی از کنار او با تبختر و تکبر رد می‌شوند به رسم ادب نخوت‌آمیز برآمده از جایگاه طبقاتی‌شان سلامی می‌کنند و او را خوارتر از چیزی که خود او هر روز تصور می‌کند، می‌شمارند. کودکانی هم‌سن و سال فرزندان او در ساختمان هستند که به ظاهر شبیه فرزندان او ولی از زمین تا آسمان با زیست فرزندان او متفاوت‌اند. کودکان نازپرورده که بهانه‌های بنی اسرائیلی می‌گیرند و گویی آسمان دهان گشوده و آنان به زمین پرت شده‌اند. لباس‌های زیبا و رنگ‌وارنگ متناسب زیست لُج پدر و مادرانشان می‌پوشند. با اسباب‌هایی بازی می‌کنند که فرزندان او حتی برای چند نسل بعد خود نیز نمی‌توانند بخرند. کودکانش به مدرسه‌ای می‌روند که بچه‌پولدارها می‌روند. هر روز مجبور است با ترفندهای بسیار، کودکانش را مجاب کند که خود را با هم‌سالان خود در آن ساختمان و آن محله مقایسه نکنند، به آنان بفهماند از جنس مکانی که در آن زندگی می‌کنند، نیستند.

مریم سی سال دارد ولی ده پانزده سالی از سن واقعی خود بزرگتر می‌نماید. در صحبت کردن تلاش می‌کند لهجی روستایی خود را پنهان کند که کمی به فضای نامأنوس با خود نزدیک شود. در اتاقکی دوازده متری به همراه شوهر و دو کودک خردسال خود زندگی می‌کند. در محله‌ای زندگی می‌کند که جزء گران‌قیمت‌ترین محله‌های تهران است. مریم و شوهرش سرایدار یک ساختمان چندصد میلیاری در جردن هستند.

پدیده‌ی سرایداری

سرایدار شخصی است که معمولاً در ساختمان‌ها مسئولیت حراست و نظافت یک ساختمان را بر عهده دارد. وظیفه‌ی یک سرایدار متناسب با نوع ساختمان (مسکونی و یا اداری) متفاوت است. سرایدارها در برج‌ها و اماکن مسکونی بزرگ علاوه بر مسئولیت نظافت و حفاظت از ساختمان، وظیفه‌ی باغبانی و گل‌آرایی را نیز بر عهده دارند.

از تعریف فوق که بگذریم، می‌رسیم به واقعیتی سخت؛ سرایداری نام عامی است که به مجموعه‌ای از وظایف سخت و ترکیبی از چند شغل که برای سهولت در استثمار کارگران تحت یک نام به کار می‌رود، یک سرایدار هم‌نگهبانی می‌دهد، هم مسئول نظافت ساختمان است، هم نظم‌دهی به پارکینگ و غیره که در ادامه به ذکر کامل آن می‌پردازیم. معمولاً از طبقات فرودست روستایی و گاهی نیز تبعه‌ی افغانستانی به این کار طاقت‌فرسا مشغول هستند. نازل‌ترین حقوق به آن‌ها تعلق می‌گیرد. بسیاری از

سرایدارها از شهرستان‌ها و افغانستان به تهران می‌آیند. به واسطه‌ی جایگاه طبقاتی و فرودستی، برای امرار معاش مجبورند در شرایط سخت و دشوار تن به استثماری سخت بدهند و به حقوق بسیار نازل و تنها به این که جایی برای خواب دارند قناعت کنند. هر چقدر افرادی که به این کار مشغول می‌شوند به فضای تهران ناآشنا تر و غریبه‌تر، برای استثمار منطقی‌تر و قابل اعتمادتر. معمولاً هم افراد متأهل را به این کار می‌گمارند زیرا افراد متأهل به نظرشان قابل اعتمادترند.

در محله‌های قیطره، دربند، کاشانک، آجودانیه، کامرانیه، جردن، الهیه، ولنجک، فرشته، سعادت‌آباد، نیاوران، سوهانک، فرمانیه، تجریش، ونک و بسیاری دیگر از محله‌های پولدارنشین تهران که چون زالو خون کارگران را می‌مکند و هر روز بیشتر از پیش فربه می‌شوند و برای زندگی خود اسباب رفاه بیشتری فراهم می‌کنند؛ در این محله‌های خوش آب و هوا که در تسخیر بورژوازی است، افرادی از طبقه‌ی کارگر نگرهبانی و حراست از محل زندگی آنان را به بهای ورود به این محله‌ها و مقدار ناچیزی مزد بر عهده دارند. گاهی وقاحت بچه پولدارها به جایی می‌رسد که انجام تمام کارهای یک سرایدار را از یک خانواده به بهای زندگی در اتاقکی بیست متری می‌خواهند. با پررویی می‌گویند: در عوض اجاره نمی‌دهی.

به صورت مختصر به ذکر وظایف سرایدار می‌پردازیم:

۱. نگرهبانی و حفظ امنیت ساختمان یا مجتمع.
۲. انجام کارهای نظافتی ساختمان: کارهایی از قبیل نظافت راهرو، پله، پارکینگ، آسانسور، محوطه‌ی بیرونی ساختمان و غیره.
۳. برف‌رویی حیاط، پارکینگ و محوطه‌ی بیرونی ساختمان هنگام بارش برف.
۴. مراقبت روزانه از فضای سبز ساختمان و آبیاری آن‌ها.
۵. تعمیرات و محافظت از تجهیزات ساختمان و جلوگیری از خسارت به آن‌ها، تجهیزاتی مانند آسانسور، تأسیسات گرمایشی، برقی، موتورخانه، لوله‌کشی و غیره.
۶. جمع‌آوری کیسه‌زباله در ساعتی مشخص از درب منزل هر واحد.
۷. حضور تمام‌وقت در ساختمان به‌ویژه در ایام تعطیلات. حتی یک ساعت در طول سال هم نباید ساختمان بدون نگرهبان باشد.
۸. شستن دیوارهای داخلی ساختمان سالی یک یا دو بار.
۹. جمع‌آوری شارژ ساختمان و سایر هزینه‌های ساختمان با هماهنگی مدیر ساختمان.
۱۰. بررسی روزانه موتورخانه و سایر تجهیزات مجتمع.
۱۱. روشن کردن چراغ‌های ورودی‌ها و پارکینگ پیش از تاریک شدن هوا.

۱۲. روغن کاری درب‌ها، تعویض لامپ‌های سوخته و محکم کردن پیچ‌های دستگیره‌ها و قفل‌ها و غیره.

۱۳. بازدید از پشت‌بام و بررسی کولرها برای جلوگیری از نشت آب.

درست است؛ تعجب نکنید! تمام این کارها را سرایدار انجام می‌دهد؛ نامی که برای این همه شغل در نظر گرفته شده است. سرایدار که به نظر یک نفر است و مزد یک نفر را دریافت می‌کند، تمام این کارها را به همراه خانواده‌اش انجام می‌دهد.

مصائبی که موهبت به نظر می‌آیند

جامعه‌ی سرمایه‌داری، یک جامعه‌ی طبقاتی است. جامعه‌ای که بر پایه‌ی استثمار انسان از انسان بنا شده است. همه چیز در یک جامعه‌ی طبقاتی نشانه‌ای از زیست در جامعه‌ی طبقاتی دارد. طبقه‌ی کارگر معمولاً در محله‌های پایین شهر و کارگرنشین زندگی می‌کنند. کارگران به اقتضای شغلی که دارند گاهی مجبور به رفتن به محله‌ی پولدارها می‌شوند. صبح زود شاهد کارگرانی هستیم که خواب‌آلوده در کنار ایستگاه‌های بی‌آرتی و مترو منتظرند که به سمت شمال شهر بروند. منطقه‌ای که ساختمان‌های شیک و شکیل دارد، مدل ماشین‌ها در آن منطقه متفاوت است و شهر منظم و تمیز است. غروب باید با خیل خستگی و کلافگی مجدد به سمت محله‌های نامنظم و کثیف و شلوغ خود برگردند. شاید شما هم گاهی به این فکر کرده باشید که زندگی کردن در محله‌های پولدارنشین چقدر دل‌انگیز است. این همان موهبتی است که برای سرایدارها دردسرهای بزرگی درست کرده است.

به مریم و شوهرش فکر کنید. در جردن زندگی می‌کنند. محله‌ای که بخش بزرگی از سرمایه‌ی این کشور در این محله مدیریت و جابه‌جا می‌شوند. شرکت‌های بزرگ تولیدی و تجاری در این محل دفتر مرکزی دارند و محل زندگی صاحبان سرمایه همین حوالی است. قیمت اقلام مصرفی در این محله بسیار بالاست؛ بیمارستان‌های این منطقه خصوصی و گران‌قیمت هستند. همه چیز مهبیای زیست بورژوازی گشته است. حال خانواده‌ای که ماهی سه میلیون تومان برای تمام خدماتی که تحت عنوان سرایدار ارائه می‌دهند می‌گیرند و مجبور هستند به طور نوبتی در بیرون از ساختمان نیز کار کنند.

صبح‌ها مریم برای نظافت مؤسسه‌ای می‌رود و از ظهر تا غروب شوهرش. در اتاق دوازده متری زندگی می‌کنند. ولی باید هزینه‌های یک سرمایه‌دار برای زندگی در چنین محله‌هایی را پرداخت کنند. یا برای خرید مواد مصرفی خود مسافت زیادی را تا جایی که قیمت مناسبی دارد بروند. هزینه‌ی آموزش در این محله‌ها بالا است. جدای از این که فرزندانشان که در کنار بچه‌هایی از طبقه سرمایه‌دار درس می‌خوانند سطح انتظارات و توقعاتشان بالا می‌رود. کودکان ماهیت تبعیض‌آمیز نظام سرمایه‌داری و تضادهای حاکم بر این سیستم را درک نمی‌کنند، بنابراین به این سادگی‌ها تبعیض‌ها را نمی‌پذیرند.

دهها هزار سرایدار در محله‌های بالاشهر تهران برای این که بتوانند فرزندانشان خود را در مدرسه ثبت‌نام کنند احتیاج به معرفی‌نامه‌ای از سوی کارفرما دارند که در آن منطقه زندگی می‌کنند. گاهی پیش می‌آید که کارفرما به دلیل ترس از بیمه و شکایت و هرگونه مطالبه‌ای در آینده از طرف کارگران، حتی از دادن نامه معرفی به مدرسه هم خودداری می‌کند. این مسئله معضلات بسیاری را برای فرودستان ساکن در این بهشت بورژوازی ایجاد می‌کند.

محل سکونت سرایداران در ساختمان معمولاً پارکینگ یا زیر هم کف در حد یک اتاق یا سوئیت کوچک است که به زحمت خودشان و خانواده‌شان در آنجا زندگی می‌کنند. باید تمام شبانه‌روز در ساختمان باشند. وارد هر کوچه‌ای در این محلات شوید خانواده‌های سرایدار با یکدیگر در ارتباط هستند و صمیمیت بسیاری دارند و همبستگی طبقاتی آنان مشهود است. در مواقعی که هر یک به مشکل بخورند، سایر خانواده‌ها به آنان یاری می‌رسانند و یا در مواقع معدود و ضروری در سال که نیاز به مرخصی دارند، جایگزین آن‌ها شده و کارهای همسایه را هم انجام می‌دهند.

این‌ها اندک سختی‌های یک خانواده‌ی سرایدار است که به نوبه‌ی خود به عنوان کارگر دارند در نظام سرمایه‌داری استثمار می‌شوند و رنج‌شان محصول تضادهای حاکم بر این نظام است.